

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۸ مارچ ۲۰۱۸

نکاتی در باره شعار های وارونه !

در جریان مبارزات و اعتراضات کارگران کارخانه هپکو در شهر اراک ، شعاری سر داده شد تحت عنوان "مرگ بر کارگر ، زنده باد ستمگر". با توجه به اعتباری که کارگران هپکو به دلیل مبارزات دلاورانه و اقدامات عملی چون بستن جاده علیه رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران کسب کرده اند، این شعار خیلی زود از طرف کارگران برخی از مراکز تولیدی و یا با تغییراتی در کلمات از طرف برخی دیگر از اقشار ستمدیدگان شهری تکرار شد. شکی نیست که در این شعار وارونه طنزی گزنده نهفته است و کارگران به این وسیله حکومت را مورد خطاب قرار داده و ندا سر دادند که به باور آنها این حکومت به رغم همه مستضعف گرائی های فریبکارانه اش در نظر و عمل طرفدار و حامی پر و پا قرص کارفرمایان بوده و خط راهنمایش برای مسئولین خود همانا شعار "زنده باد ستمگر" می باشد. در واقع کارگران هپکو با این شعار به صورت استعاره این واقعیت را انعکاس دادند که در شرایطی که سرمایه دار علاوه بر کسب ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران، بخش بزرگی از دستمزد کارگران را هم بالا می کشد ، رژیم جمهوری اسلامی نه تنها سرمایه دار را مجبور به پرداخت دستمزد آنها نمی کند بلکه در مقابل اعتراضات کارگران ، نیروهای مسلح را به سراغ کارگران می فرستد تا به نفع سرمایه داران، اعتراضات بحق آنان را سرکوب کنند. بنابراین در این شعار وارونه ، چهره واقعی جمهوری اسلامی به صورت طنزی تلخ نشان داده می شود و کارگران ، آگاهی شان از چگونگی برخورد این رژیم با خود را به نمایش می گذارند. با این حال و به رغم پذیرش واقعیت طنز نهفته در این شعار نمی توان این واقعیت را از نظر دور داشت که این شعار وارونه ، در شرایط پس از قیام های توده ئی دی ماه [جدی] که کلیت رژیم جمهوری اسلامی چه در شعارهای توده ها و چه در عمل آنها مورد تعرض اردوی کار و متحدینش قرار گرفته بود ، نه فقط بیانگر شعاری رو به جلو نبود ، بلکه شعار تظلم خواهانه ای بود که با قدرت واقعی طبقه کارگر در شرایط کنونی نیز انطباق نداشت .

این تفکر وجود دارد که برای اجتناب از پرداخت "هزینه" زیاد در مقابله با رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی نه تنها باید به تاکتیک های تعرضی دست نزد ، بلکه در مبارزات توده ئی هم نباید شعارهای تعرضی مطرح نمود. اما این تفکر انطباقی با واقعیت های جامعه دیکتاتور زده با حاکمیت رژیم وحشی جمهوری اسلامی ندارد. تجربه نشان داده است که دیکتاتوری حاکم اساساً با نفس تجمع کارگران مخالف است چرا که از قدرت کارگران و از قدرت تجمع آنان به خوبی آگاه بوده و از آن در هراس است. از این رو وقتی کارگران دست به تجمع می زنند رژیم به هر ترتیب از

سرکوب - به عنوان اصلی ترین وسیله اش در مبارزه با کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه - گرفته تا فریب کارگران به مقابله با آن بر می خیزد. همه می دانند که رژیم حتی به تجمعاتی که در آن نه تنها شعار تعرضی داده نمی شود ، بلکه حتی در سکوت و کاملاً مسالمت آمیز بر پا می شود نیز یورش می برد. منطق رژیم های وابسته به امپریالیسم که دیکتاتوری ، ذاتی آنها است به همانگونه که در دوره رژیم شاه نیز بود روشن است. این دیکتاتوری ها می گویند : "سلطه من را بپذیرید تا از یورش مرگبار من در امان باشید". این سخن ، بیان یک جمع بندی داهیانیه از شرایط دیکتاتوری حاکم در رژیم شاه می باشد که توسط چریک فدائی خلق رفیق امیرپرویز پویان صورت گرفته و واقعیتی است که امروز نه فقط کارگران بلکه همه توده های تحت ستم ایران با گوشت و پوست خود آن را لمس می کنند. بنابراین تن دادن به چنان تفکر محافظه کارانه و غیر واقعی که گویا برای هزینه کم دادن باید از دادن شعارهای تعرضی اجتناب کرد ، نه تنها باعث پیشرفت جنبش طبقه کارگر و تحقق خواستهای کارگران نمی گردد ، بلکه آنها را به عقب نیز می برد .

واقعیت این است که در شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته حاکم، هر تجمع مبارزاتی برای رژیم به مثابه "اعلان جنگ" شمرده می شود و رژیم آن را به منزله زیر سؤال رفتن سلطه خود تلقی می کند. از این رو هر تجمع مبارزاتی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار می گیرد. در چنین شرایطی نباید جای تردیدی وجود داشته باشد که شعارهای وارونه تأثیری وارونه خواهند داشت و بیشتر ضعف شعار دهنده را به نمایش می گذارند تا قدرت وی را؛ قدرتی که در واقعیت دشمن از آن می ترسد و به هر وسیله ای متوسل می شود تا در عمل به نمایش در نیاید .

باید تأکید کرد که در شرایطی که "هیچ بودگان" جامعه یعنی اردوی بیشمار کار با دست خالی در خیزش دی ماه [جدی] فریاد می زدند "آتش جواب آتش" ، و مراکز سرکوب جنایتکاران حاکم را به آتش می کشیدند ، سر دادن شعار وارونه ای چون "درود بر ستمگر ، مرگ بر کارگر" نه با واقعیت شرایط مبارزاتی کنونی علی رغم همه سرکوبهای دشمن انطباق دارد و نه به همان صورتی که خود واقعیت گواهی می دهد قادر است گرهی از مشکلات کارگران بگشاید. اتفاقاً در چنین اوضاع و احوالی که دشمن از تجمع کارگران و خیزش قهر آمیز آنها در وحشت به سر می برد و این وحشت را سردمداران جمهوری اسلامی و ایادی مزدورشان به اشکال مختلف بیان می کنند ، کارگران پیشرو باید بیش از پیش به تجمعات اعتراضی پرداخته و در آن تجمعات توده ئی نه فقط شعارهای هر چه تعرضی تری را مطرح کنند بلکه با سنجیدن همه مسایل و جوانب امر ، دست به تاکتیک هائی بزنند که فضای مبارزاتی را به نفع طبقه کارگر تغییر دهد. این راهی است که می تواند رژیم وحشت زده از قدرت کارگران را بر آن دارد که سرمایه داران را مجبور به پرداخت حقوق های کارگران بنماید.

شعارهای تعرضی ، شعارهائی چون "حساب ما پُر نشه ، اهواز قیامت می شه" و یا شعار قبلی کارگران هپکو "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی ، جان فدا می کنیم در ره آزادی" ، "می ایستیم ، می رزمیم ، حقوقمون می گیریم" و... می باشند. لازم است بدانیم که کارگران فولاد اهواز وقتی با شعار وارونه "درود بر ستمگر ، مرگ بر کارگر" به تجمع مبارزاتی برای کسب حقوق های عقب افتاده خود دست زدند طبق معمول مورد حمله مزدوران رژیم قرار گرفتند و آن مزدوران حتی تعدادی از کارگران را دستگیر نمودند. پس از این تجربه تلخ ، کارگران مبارز فولاد اهواز در تجمع مبارزاتی بعدی خود بدرستی و با روحی تعرضی فریاد زدند "زنده باد کارگر، مرگ بر ستمگر ."

هر چه شعار های کارگران و پیشروان کارگری روشن تر باشند ، فعالیت های مبارزاتی آنها بهتر و سهلتر پیش خواهد رفت. شعارهای درست باید زائیده تحلیل درست از شرایط بوده و بتوانند مبارزات کارگران را قدمی به جلو ببرند. با در نظر گرفتن این امر می بینیم که شعار وارونه مورد بحث چنین نبود. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در

آستانه مرگ قرار دارد و تشدید سرکوبهای وحشیانه اش بیانگر ضعف آن می باشد. در چنین شرایطی تنها با تشدید مبارزات تعرض آمیز می توان رژیم را وادار به عقب نشینی نمود و تظلم خواهی نتیجه عکس خواهد داد. کارگران امروز با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته اند لازم است با صراحت کامل خواسته های خود را فریاد زده و در اتحاد با همدیگر در جهت تحقق آن گام بردارند. نباید فراموش کرد که طبقه کارگر اگر چه امروز به دلیل نداشتن تشکل صنفی و سیاسی از آن خود به طور بالفعل در مقابل یورش سرمایه داران و رژیم حامی شان از توانائی لازم برخوردار نمی باشد ، ولی به طور بالقوه از پتانسیلی برخوردار است که در صورت آزاد شدن ، قادر است نه فقط زنجیر از دست و پای خود برکند بلکه بر هر گونه ظلم و ستم و جهل و نادانی در جامعه نقطه پایان بگذارد. به امید آن که رزم امروز کارگران ما تا به آن حد ارتقاء یابد که بتوانند فردا با انرژی بالقوه شان در صحنه مبارزه هر چه قوی تر حضور یابند و شعار "مرگ بر ستمگر ، زنده باد کارگر" در مبارزات آنها هر چه وسیع تر طنین انداز گردد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۵۰ ، پانزدهم اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۶